اشعری رضی الله عنه که رسول خدا فرموده است تحقیق خدای تعالی فراخ میکند دست رحمت
خود را در شب تا توبه کند بدی کنندهٔ روز و فراخ میکند دست رحمت خود را در روز
تا توبه کند بدی کنندهٔ شب توربشتی گفته بسط ید کنایت است از سعت جود و در حدیث
تنبیهی است بر سعت رحمت خدای تعالی مهربان و کثرت تجاوز او از ذنوب عاصیان
و طیبی گفته بسط ید تمثیل است و دال برین که توبه از گناه مطلوب اوست و محو
او کو یا که تقاضا میکند آن توبه را از گناهکاران حتی تطلع تا آنکه طلوع کند برآید
آفتاب از جانب مغرب خود که درین وقت در توبه بسته شود و در عوض قبول
نیفتد کما قال الله تعالی یوم یاتی بعض آیات ربک لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن امنت
من قبل او کسبت فی ایمانها خیرا و مراد به آن بعض آیات همین طلوع است زیرا که
غیب درین وقت عیان میگردد و در حکم همین وقت است حالت غرغره که حال
یاس است و حدیث نبوی است ان الله یقبل توبة العبد ما لم یغرغر و در است
از ابن عباس رضی الله عنه اذا فشت الفواحش و ذهب الامر بالمعروف والنهی
عن المنکر حبست الشمس مقدار ثلث لیال مع القمر ثم طلعا من المغرب
و قد سلبت الضوء فغلق باب التوبة یعنی عن الکافر فقبل توبة المومن والایمان
الصبی عندها والمولود بعدها کما فی عین المعانی و مثله فی المکمل و جاء رجل
فَقَالَ یَا رَسُولَ اللّٰهِ اَحَدُنَا یُذْنِبُ قَالَ یُکْتَبُ عَلَیْهِ قَالَ ثُمَّ
یَسْتَغْفِرُ مِنْهُ وَ یَتُوبُ قَالَ یُغْفَرُ لَهُ وَ یُتَابُ عَلَیْهِ وَلَا
یَمَلُّ اللّٰهُ حَتّٰی تَمَلُّوا ملال ملالة ملل هر یک بفتح ستوه آمدن از باب
علم یقال مللته و مللت منه الف اذا سامته یعنی در معجم اوسط و کبیر طبرانی مرویست
از عقبة ابن عامر رضی که آمد مردی در خدمت آنحضرت پس گفت آن مرد ای رسول خدا

یکی ازما

یکی از ما گناه میکند پس چیست حال او فرمود رسول خدا نوشته میشود آن گناه بروی
یعنی صاحب شمال که از کرام کاتبین است می نویسد آن گناه بعد از مضی شش
یا هفت ساعت گفت آنمرد پس طلب مغفرت میکند آن یکی از ان گناه از آن
یکبار او قبول کرده میشود توبه آن یکی برای آن گناه گفت آنمرد پس باز رجوع میکند
آن یکی بسوی معصیت بار از توبه پس می افتد در گناه فرمود رسول خدا نوشته میشود
آن گناه را بروی تمام گفت آنمرد پس طلب آمرزش میکند آن یکی از ان گناه
و توبه میکند فرمود رسول خدا آمرزیده میشود مر آن یکی را و قبول کرده شود توبه
او بر گناه و همچنین الی آخر الحدیث کو یا که خدای عز و جل میفرماید بیا باز آ باز آ هر آنچه
هستی باز آ گر کافر و گبر و بت پرستی باز آ این درگه ما درگه نومیدی نیست
صد بار اگر توبه شکستی باز آ قوله لا یمل الله حتی تملوا ای لا یمل کسی و تملوا اکثر دوا
چون ملال بمعنی ستوه و ماندگی دنوت نفس است بعد از محبت که در شان حق تعالی
محال است قیل حتی بمعنی خود نیست یعنی اذا است ای لا یمل الله اذا مللتم و قیل
بمعنی واو است ای ان الله لا یمل و تملون پس هر دو قول یعنی ملال است از خدا و از بندگان
ملال بنده ها و قیل حتی بر حقیقت خود است ای ان الله لا یقطع عنکم فضله حتی
تملوا سوال الی تسمیه یعنی حق تعالی بملال برسبیل ازدواج است چنانکه در قول تعالی
و جزاء سیئة سیئة مثلها گفته اند و قیل ان الله لا یمل ابدا مللتم او لم تملوا الی حتی
تملوا جاریست مجاز قول عرب حتی یشیب الغراب و یبیض القار و قیل ان الله لا
یمل حتی تترکوا العمل و تزهدوا فی الرغبة الیه فسمی الفعلین ملالا و کلاهما لیس بملال
کعادة العرب فی وضع الفعل موضع الفعل اذا وافق معناه پس در کلام واقع
شده است مجاز نظیر وَ اِذَا اَخْطَوُا الْمَطَرَ فَنَجَوْا عَلَی الرَّکْبِ ثُمَّ یَقُولُوا